

تبیین و تحلیل روایی فضیلت اخلاقی صبر در نهج البلاغه

حبیب رضا ارزانی،* رسول ربّانی**

چکیده

پایداری و شکیبایی در مقابل سختی‌ها را «صبر» گویند و اگر برای رضای خداوند متعال و تسلیم امر او باشد، در جهت پیشبرد تقوای الهی موثر بوده و فضیلت محسوب می‌شود. حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام در نهج البلاغه از «فضیلت صبر» به عنوان مدیر، رئیس و مرکز کنترل ایمان نام می‌برد: «فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيْمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»؛ صبر برای ایمان مانند سر است برای بدن. (سیدرضی، ۱۳۷۹: حکمت ۸۲، ۶۴۰) علمای علم اخلاق «صبر» را سکان و هدایتگر همه فضائل اخلاقی دانسته‌اند؛ ولی ظهور و پهنای معنایی این واژه در عرف، محدود به «تحمل سختی‌ها و قانع شدن در برابر وضع موجود» شده است.

*- عضو هیأت علمی و استادیار گروه ادیان مرکز مطالعات اسلامی، وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

Habib_oi@yahoo.com

** - کارشناسی ارشد رشته قران و حدیث، دانشگاه شهر ری.

rasolrabani@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۲

این مقاله به لحاظ معنای وضعی، مفهوم اخلاقی و معنای عرفی متداول از زمان امیرالمومنین علیه السلام تا عصر حاضر، با نگرشی فراگیر و با دو دامنهٔ روایی و کتاب‌شناسی به بررسی و تحلیل فضیلت صبر در چهار شرح نهج‌البلاغه پرداخته است.

واژه «صبر» در نهج‌البلاغه با حفظ معنای لغوی و اصطلاحی، با بسیاری از مفاهیم اخلاقی و دینی ارتباط معنوی دارد. براین اساس در این تحقیق به تبیین و تحلیل روایی و ارتباط آن با مفاهیم دیگر نظیر ایمان، تقوا، یقین و ... با توجه به آرای شارحان، توجه شده است.

واژه‌های کلیدی

صبر، شکیبایی، استقامت، ایمان، نهج‌البلاغه.

مقدمه

در فرهنگ نهج‌البلاغه، زندگی انسان در دنیا آمیخته با مشکلات عجیبی است که اگر در مقابل آن بایستند و «صبر» و مقاومت به خرج دهد، به یقین پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث زانو بزند، هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲، ۴۴۱)

کلمات کلیدی و کاربردی نهج‌البلاغه نظیر «صبر»، معانی و کاربردهای متعددی دارند که تحلیل روایی آن‌ها در نهج‌البلاغه، فهم دقیق و سیمای روشنی از آن را میسر می‌سازد. با گردآوری و تحلیل «فضیلت صبر» از فضائل اخلاقی، در دامنهٔ روایی مشخص از نهج‌البلاغه و با کمک مطالعه شروع آن در سیستمی مشخص، به معنا و مفهوم دقیق واژه صبر از منظر

امیرالمومنین عليه السلام دست می‌یابیم. این تحقیق دارای دو دامنهٔ روایی و کتاب‌شناسی در نهج‌البلاغه است:

۱. دامنهٔ روایی: شامل گردآوری تمام متون مربوط به موضوع «صبر» و تشکیل خانواده حدیث برای این موضوع در نهج‌البلاغه.
۲. دامنهٔ کتاب‌شناسی: تحقیق، بررسی و مطالعهٔ موضوع مدنظر، در چهار شرح نهج‌البلاغه (پیام امام، فی ظلال، ابن میثم و علامه جعفری) و قراردادن شرحی به‌عنوان شرح اصلی و معیار (پیام امام) و بررسی آرای شارحان در موضوع مقاله و ارائه گزارش محتوای آرای آن‌ها در متن مقاله.

مفهوم‌شناسی صبر

۱. صبر در لغت

دهخدا:

«صبر» در لغت به‌معنای حبس و بازداشتن است. هرگاه کسی خویشتن را از فعلی اختیاری باز دارد، صبر کرده است؛ بنابراین «صبر» را در معنای عام آن می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «بازداشتن خود از عملی که مانع رسیدن به هدف یا موجب تأخیر در رسیدن به هدف می‌شود.» (لغت‌نامه دهخدا، باب صاد)

راغب اصفهانی:

«الصبر حبس النفس علی ما یقتضیه العقل و الشرع أو عما تقتضیان حبسها عنه و الصَّبْرُ أَلَمَسَاكُ فِي الصَّيْقِ»؛ صبر، خویشتن‌داری بر انجام چیزی است که عقل و شرع آن را اقتضا می‌کنند یا حفظ‌کردن خویش از چیزی است که عقل و شرع خویشتن‌داری از آن را اقتضا می‌کنند و صبر، کنترل نفس در تنگنا (و استقامت در انواع شدائد و مشکلات) است. (مفردات راغب، ۲۷)

۲. صبر در اصطلاح

الف: صبر در علم اخلاق

۱-۲. «صبر» به حالتی نفسانی گویند که انسان با کمک آن بتواند در مقابل انواع مشکلات بایستد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳، ۲۳۹)

۲-۲. «صبر» به حفظ نفس از اضطراب، اعتراض، شکایت و همچنین به آرامش و طمأنینه گفته می‌شود و در اصطلاح علم اخلاق، صفتی است که انسان را با استقامت در مقابل معاصی، در طریق تقوا پیش می‌برد. (همان) صبر در این معنا خودبه‌خود فضیلت اخلاقی نیست؛ بلکه مقاومتی است که ناشی از تسلط فرد بر خویشتن است. این مقاومت در صورتی از لحاظ اخلاقی فضیلت خواهد بود که هدف شخص صابر، کمال اخلاقی و تقرب به خداوند باشد. (آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ۱، ۱۲۰)

۲-۳. مرحوم محمد مهدی نراقی:

«الضَّبْرُ ثَبَاتُ النَّفْسِ وَ عَدْمُ إِضْطْرَابِهَا فِي الشَّدَائِدِ وَ الْمَصَائِبِ بِأَنْ تُقَاوَمَ مَعَهَا بِحَيْثُ لَا تُخْرِجُهَا عَنْ سِعَةِ الصُّدْرِ وَ مَا كَانَتْ عَلَيْهِ قَبْلَ ذَلِكَ مِنَ السَّرُورِ وَ الطَّمَأْنِينَةِ»؛ صبر، استقامت و پایداری نفس و عدم تشویش در سختی‌ها و مصیبت‌ها است، به نحوی که در برابر آن سختی‌ها و بلاها مقاومت کنی و نفس خود را از سعة صدر و از آن حالت سرور و آرامشی که بر آن حاکم بود، خارج نکنی. (جامع السعادات نراقی، ۳، ۲۸)

ب: صبر در علم روان‌شناسی

«صبر» در روان‌شناسی، کنترل خود و سرکوب افکار و اندیشه‌هاست. جالب اینجا که هر چقدر سعی می‌کنیم راجع به چیزی فکر نکنیم، آن مسئله بیشتر و بدتر بر ما هجوم می‌آورد. راهکار مناسب به جای سرکوب افکار، این است که

بتوانیم در آن لحظه با توجه به قدرت اختیار و اراده، آن افکار را بپذیریم و در عین حال انتخاب کنیم که روی آن‌ها ماندگار نباشیم. البته این کار در عمل سخت است و در گفتن آسان.^۱ (مصاحبه دکتر سیدمحسن فاطمی، استاد روان‌شناسی)

خانواده حدیث صبر در نهج البلاغه و کلام امیر المومنین علیه السلام

کل احادیث صبر و روایات مترادف آن در نهج البلاغه، ۵۴ متن است. احادیث صبر ۲۷ متن، حلم ۱۱ حدیث، تحمل ۸ روایت، بردباری ۷ سخن و سعه صدر ۱ کلام است.

الف: مفهوم خانواده حدیث

قرینه‌های منفصل، بیشتر از نوع کلام‌اند و مهم‌ترین آن‌ها احادیثی است که با روایات اصلی که در صدد فهم آن هستیم، ارتباط دارند. (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۵۰) این احادیث با حدیث اصلی رابطه‌های متعدد و متفاوتی دارند، گاه مخصص، مقید و مبین و گاه شارح، ناسخ و معارض‌اند و مهم‌تر اینکه با حدیث اصلی و مورد فهم ما، هم‌مضمون و هم‌معنا هستند. وجه اشتراک اصلی این احادیث، نظر داشتن آن‌ها به نوعی موضوع محوری است. بر این اساس می‌توانیم احادیث هم‌مضمون و مرتبط را از احادیث ناسخ و معارض جدا کرده و بر اساس اصطلاحی نو، آن‌ها را ساخته و «خانواده حدیث» بنامیم. (همان)

ب: فایده خانواده حدیث

تشکیل خانواده حدیث جهت فهم دقیق حدیث و روشن شدن حکم نهایی است؛ چه حکم فقهی باشد یا اخلاقی. پس از جست‌وجوی کامل

^۱- [<http://www.jamejamonline.ir/newspreview/۱۲۳۹>].

و یافتن همه احادیث عام، مطلق، مخصص، مقید و ... و کنارهم نهادن این احادیث مرتبط، حاصل جمعی به دست می آید که با آن می توان درباره موضوع حدیث حکم داد. مانند پازل به هم ریخته ای که تصویری نامشخص دارد و با چینش هر قطعه سر جای خودش، به سیمای نهایی تصویر نزدیک تر می شویم. (همان، ۱۶۱)

ج: تشکیل خانواده حدیث

در گفت و گوهای رایج و متعارف، نخستین لفظ عام یا مطلق، هیچگاه حجت نیست و به آن احتجاج نمی شود. گاه با لفظی خاص، عام، محدود و با قیدی، مطلق، مقید می شود. شیوه تعامل زبانی امامان معصوم علیهم السلام با شیوه رایج تفاوتی ندارد و آن بزرگواران روش معمول و متعارف را به کار می بردند. (همان، ۱۶۲)

علم اصول، ارتباط بین سخنان را به صورت های مختلف تعریف کرده و با عناوین گوناگون مانند عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین و ... سامان داده است. (همان) به عنوان نمونه با توجه به مطالب بالا، برای رسیدن به فهم دقیق و بهتر برخی احادیث، چند خانواده حدیث از متون «صبر» در کلام امیرالمومنین علیه السلام تشکیل داده و آن ها را بررسی می کنیم.

۱. تشکیل و بازبانی خانواده حدیث صبر با احادیث عام و خاص

عام، در اصطلاح یعنی دلیلی که نسبت به همه مصداق های واژه، فراگیری معنا را دارد و خاص، دلیلی است که دلالتش از دلیل عام، قوی تر است و موجب می شود از دلیل عام دست بکشیم. (همان، ۱۶۳)

امیرالمومنین علیه السلام هماهنگ با قرآن و برخی احادیث، صبر را به صورت عام، شجاعت، جمیل و پسندیده دانسته اند، مانند:

حدیث عام:

«الصَّبْرُ صَبْرَانُ: صَبْرٌ فِي الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَحْسَنُ مِنْهُ الصَّبْرُ عَنِ الْمَحَارِمِ»؛
صبر بر دو گونه است: صبر بر بلا و گرفتاری که نیکو و زیباست و نیکوتر از
آن، صبر بر محرّمات الهی است. (محلّاتی، ۱۳۷۸: ۱، ح ۴۸۱۳)

* حدیث بالا با دو روایت زیر تخصیص خورده و مخصص می شوند.

روایت خاص ۱: امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به هنگام دفن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:
إِنَّ الصَّبْرَ لَجَمِيلٌ إِلَّا عَنكَ وَ إِنْ الْجَزَعَ لَقَبِيحٌ إِلَّا عَلَيْكَ وَ إِنْ الْمُصَابَ بِكَ لَجَلِيلٌ
وَ إِنَّهُ قَبْلَكَ وَ بَعْدَكَ لَجَلِيلٌ؛ همانا صبر نیکوست جز در غم از دست دادن تو
(پیامبر) و بی تابی ناپسند است، جز در اندوه مرگ تو، مصیبت تو بزرگ و
مصیبت های پیش از تو و پس از تو ناچیزند. (سیدرضی، ۱۳۷۹: حکمت ۲۹۲، ۶۳۸)

روایت خاص ۲:

«التَّوَدُّةُ مَمْدُوحَةٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي فِرْصِ الْخِي»؛ هرکاری را با صبر
انجام دادن پسندیده است، به جز در فرصت هایی که برای کارهای خیر پیش
آمده و باید عجله کرد. (محلّاتی، ۱۳۷۸: ۱، ح ۷۳۷)

* با تشکیل و بازیابی خانواده حدیث بالا، به منظور و مفهوم دقیق تری از
صبر در این کلام امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ دست می یابیم و آن اینکه صبر همیشه
پسندیده و جمیل بوده و گاهی اوقات مذموم است.

۲. تشکیل خانواده حدیث صبر با احادیث مطلق و مقید

مطلق در لغت یعنی رها و بی قیدوبند. مقید مقابل مطلق است و به نحو تقابل
ملکه و عدم ملکه است؛ یعنی مطلق نیست، ولی قابلیت آن را دارد و هرگاه قید
برداشته شود، دوباره مطلق و فراگیر می شود. (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۶۴)

امیرالمومنین علیه السلام در بسیاری از سخنان گهربار خود، فضیلت صبر را به صورت مطلق، وسیله‌ای برای پیروزی دانسته‌اند، مانند:

حدیث مطلق ۱:

«... استعشروا الصبر فانه ادعی الی النصر»؛ صبر را شعار خود سازید که به

پیروزی فراخوانده‌تر است. (سیدرضی، ۱۳۷۹: خطبه ۲۶، ۷۳)

حدیث مطلق ۲:

«اصبر تظفر»؛ صبر کن تا پیروز شوی. (محلاتی، ۱۳۷۸: ۱، ح ۴۸۱۵)

* روایات مطلق بالا با احادیث زیر قید می‌خورند:

حدیث مقید:

«من استوطأ مرکب الصبر ظفر»؛ کسی که مرکب صبر را راهوار کند، پیروز

شود. (همان، ۱، ح ۴۹۰۸)

این روایت پیروزی منتج از صبر را مقید به راهوار نمودن مرکب آن نموده است؛ زیرا اگر مرکب صبر صحیح فرمان داده نشود، به جای پیروزی به شکست منجر می‌شود، مثل صبر در مقابل ظلم و فساد که منجر به شکست و تباهی جامعه می‌شود.

۳) تشکیل خانواده حدیث «صبر» با احادیث مجمل و مبین

حدیث مجمل در زمان حال برای ما روشن و گویا نیست، اگرچه در زمان قبل برای گروه خاصی روشن بوده است؛ ولی اکنون به سبب پیچیده شدن میان احادیث، مبهم و مجمل شده است. مبین حدیثی است که دلالتش بر معنای مقصود گوینده، ظاهر و روشن است. (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

در نهج البلاغه و سخنان امام علیه السلام گاهی احادیثی به چشم می‌خورد که در مرحله اول، فهم آن مبهم و سخت است؛ ولی با تشکیل و بازیابی خانواده

حدیث در خصوص همان موضوع و چینش آن‌ها در کنار هم، از اجمال و پیچیدگی کاسته شده و معنا روشن می‌گردد، مانند:

حدیث مجمل:

«لَا يُعَدُّ الصَّبْرُ الظَّفَرُ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»؛ انسان شکیبا، پیروزی را از

دست نمی‌دهد، هر چند زمان آن طولانی شود. (سیدرضی، ۱۳۷۹:

حکمت ۱۵۳، ۶۶۴)

ابهامی که در این حدیث وجود دارد، این است که با طولانی شدن زمان، تغییراتی ایجاد می‌شود و ممکن است علاوه بر آنکه صبر نتیجه‌ای ندهد، معکوس هم عمل نماید؛ مثلاً عمر انسان تمام شود، فرصت‌ها از دست برود، هدفی که برایش صبر می‌کنیم معدوم شود و ... در چنین حالتی با تشکیل خانواده حدیث، ابهام حدیث پیشین مرتفع می‌شود.

حدیث مبین ۱: خطبه شقشقیه:

«طفقت ارتتی بین ان اصول بید جدا او اصبر علی طخیه عمیا... فرایت ان

الصبر علی هاتا احجی، فصبرت و فی العین قذی، و فی الحلق شجا ...

فصبرت علی طول المده، و شده المحنه»؛ با خود اندیشیدم که آیا دست‌تنها

حمله کنم یا آنکه بر سر این تیرگی شکیبا باشم ... دیدم که صبر در اینجا

خردمندانه‌تر است، پس صبر کردم در حالی که گویا در چشمانم خاشاک و در

گلویم استخوانی است ... در این مدت دراز و در این شدت غم و محنت، صبر

کردم. (سیدرضی، ۱۳۷۹: خطبه ۳، ۴۴)

* امیرالمومنین علیه السلام با بیست و پنج سال صبر، به هدف و پیروزی نائل شدند

و اگر صبر طولانی ایشان نبود از اسلام نامی هم نمانده بود.

حدیث مبین ۲:

«من لم یصبر علی مضمض التعلیم بقی فی ذلّ الجهل»؛ کسی که بر رنج و سختی یادگرفتن، صبر و شکیبایی نکند، در خواری جهل باقی می‌ماند.
(محلّاتی، ۱۳۷۸: ۲، ح ۷۰۲۲)

برای رسیدن به مراتب علمی، علاوه بر تحمل سختی فراوان، انسان باید برای مدت زمان طولانی صبر کند تا به نتیجه برسد. برای مثال طلبه باید سال‌های طولانی تعلیم و تعلم نماید و بر سختی‌های آن صبر کند تا مجتهد و مرجع شود و هرگز بدون این صبر طولانی، به آن مرحله نخواهد رسید.

نتیجه: موضوع و مصادیق در صبرکردن متفاوت است، گاهی لازمه رسیدن به هدف، صبر طولانی است، مانند تعلیم و تعلم و گاهی صبر طولانی هدف را معدوم می‌کند؛ لذا انسان عاقل باید در موضوع صبر، تأمل و تفکر نموده و از تجربه و علم دیگران در این رابطه استفاده کند که آیا در این موضوع، اگر صبرش طولانی شود به هدف می‌رسد یا باعث اتلاف وقت و ضرر در نتیجه می‌شود.

* در حدیث مجمل بالا موضوع مبهم است و احادیث مبین موضوع آن را مشخص کرده و صبر در مدت طولانی را موجه و ممدوح می‌کنند.

*** میان احادیث هم‌خانواده رابطه‌های متعددی مانند تخصیص، تقید و تبیین برقرار است و گاهی نیز همگی هم‌مضمون، ولی بر موضوع واحدی ناظرند. (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۸۴)

تشکیل خانواده حدیث، یعنی یافتن این احادیث و فهم نسبت‌های آن‌ها با یکدیگر، برای فهم مقصود اصلی گوینده حدیث. نکته مهم اینکه بسیاری از شبهات درباره احادیث را با تشکیل و بازیابی خانواده حدیثی به راحتی می‌توان پاسخ داد. (همان، ۱۸۵)

تحلیل متون مشکل صبر در نهج البلاغه

مشکل الحدیث به شبهه و اشکالاتی می‌گویند که در ارتباط با استناد احادیث یا متون آن‌ها مطرح می‌شود. متون نهج البلاغه دارای دو گروه شبهه و اشکال است: (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲)

الف) گروه اول: شبهات استنادی؛ معمولاً شبهه‌گذاران درباره اسناد نهج البلاغه، از اهل سنت هستند و شیعه پاسخ می‌دهد؛

ب) گروه دوم: شبهات متنی؛ متونی در نهج البلاغه وجود دارد که ممکن است مخاطب دوره ما وقتی با آن روبه‌رو می‌شود، نتواند با آن ارتباط برقرار کند. گاهی اوقات آن متون با فرهنگ کنونی ما سازگار نیست یا با برخی از داشته‌هایی که ما به‌عنوان شیعه و به‌عنوان معارف شیعی آن‌ها را می‌شناسیم، به‌ظاهر مخالف جلوه می‌کند و حتی گاهی اوقات اهل سنت با استناد به برخی از این متون به معارف رسمی شیعی اعتراض می‌کنند و آن‌ها را زیر سؤال می‌برند. به این شبهات، شبهات متنی می‌گویند. (همان، ۲)

در این بخش یکی از مشکل‌الحدیث‌های متنی صبر را تحلیل و بررسی می‌کنیم:
(«وَفِي الْحَقِّانِ تُمْنَعُهُ، فَاصْبِرْ مَعْمُومًا، أَوْ مِتْ مُتَأَسِّفًا»؛ اگر از حق ممنوع شوی، پس برغم و اندوه صبر کن یا با تأسف بمیر. (سیدرضی، ۱۳۷۹: خطبه ۲۱۷، ۴۴۵)

شبهه: احقاق حق و گرفتن آن، بر هر شخص حقیقی یا حقوقی واجب و لازم است؛ زیرا نوعی دفاع در برابر ظلمی است که بر او واقع شده و در شریعت اسلام، دفاع از جان، مال، ناموس و آبرو واجب است.
اگر شخصی که حقیق ضایع شده، احقاق حق نکند، خود مقصر عواقب آن است و لذا نمی‌تواند شکایت و ادعایی داشته باشد. از طرفی

در صورت دفاع نکردن اشخاص از حقوق خود، هر ناکسی جرات پیدا می‌کند حق دیگری را چپاول یا ضایع نماید و باعث ایجاد هرج و مرج و ظلم در جامعه می‌شود.

جواب: اگر برای گرفتن حق، خسارت و گرفتاری بیشتر و بدتری ایجاد شود، انسان باید بنا به مصلحت، از حق خود بگذرد و بر غم و غصه خود صبر کند، مثل حضرت امیرالمومنین علیه السلام که اگر می‌خواستند حق مسلم ولایت خود را از غاصبان ملعون بگیرند، اسلام از بین می‌رفت. مصلحت مهم‌تر از احقاق حق ایشان، حفظ اسلام بود؛ لذا حضرت از حق خود گذشتند و صبر نمودند و در خطبه شفشقیه فرمودند:

بس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو من مانده بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸، ۲۷۳-۲۸۰؛ مغنیه، ۱۳۸۷: ۴، ۴۴۲-۴۴۴؛ بحرانی، ۱۳۷۵: ۶، ۹۳)

نتیجه: پاسخگویی به شبهات باید شیوه علمی، منطقی و مقبول داشته باشد، به گونه‌ای که مخاطب، این پاسخگویی را بپذیرد و آن را باور کند و به اغنا برسد. پاسخگویی شبهه، امری آمرانه نیست که فرد ناچار باشد آن را قبول کند یا ملزم به پذیرش آن باشد، بلکه استدلالی علمی است که می‌بایست مبتنی بر روش علمی باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳۳)

آرای خاص چهار شرح نهج البلاغه درباره صبر

در این قسمت، دیدگاه خاص چهار شارح نهج البلاغه درباره «صبر» به صورت جدا، مبسوط و کامل تبیین می‌شود:

۱. دیدگاه شرح معیار (پیام امام) آیت‌الله مکارم شیرازی

«صبر» حالتی نفسانی است که انسان با کمک آن می‌تواند در مقابل انواع مشکلات بایستد و نمونه‌های مختلفی دارد که عبارت‌اند از: ۱. ایستادگی در برابر مشکلاتی که در راه اطاعت پروردگار به وجود می‌آید. در این صورت آن را «صبر بر طاعت» می‌گویند؛ ۲. مقاومت در برابر مشکلاتی که هوا و هوس‌های سرکش نفس و شهوات آن را برمی‌انگیزاند. در این صورت آن را «صبر بر معصیت» می‌گویند؛ ۳. مقاومت در برابر مشکلاتی که از سوی مصائب و بیماری‌ها و تنگناهای زندگی رخ می‌دهد. در این صورت آن را «صبر بر مصیبت» می‌نامند. صبر و شکیبایی خواه در مسیر طاعت باشد یا در برابر وسوسه‌های گناه یا در مقابل مصیبت، از صفات برجسته پرهیزگاران است. در واقع صفتی است که انسان را در طریق تقوا پیش می‌برد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۹، ۴۹۹)

۲. دیدگاه خاص شرح فی ظلال

صبر به اندازه عقل است. مقوله صبر در حیطة عقل قرار دارد، نه دین. صبر و تحمل نتیجه فرآیند مقایسه میان دو ضرر است که راه‌گیزی از آن‌ها وجود ندارد و هرکس به تنهایی این مقایسه را انجام می‌دهد. بدیهی است که انسان عاقل، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که آسان‌تر بوده و ضرر کمتری داشته باشد و نقش دین در این بین، تأیید حکم و انتخاب عقل است؛ اما احادیثی مانند «ایمان بدون صبر وجود ندارد» به این معنا هستند که در واقع ایمان با عقل سالمی پدید می‌آید که راه درست و شایسته را انتخاب می‌کند. تردیدی نیست که خداوند در پاداش به انسان‌ها، به ایمان و عقل آنان می‌نگرد. (مغنیه، ۱۳۸۷: ۲۲۰، ۱)

۳. دیدگاه خاص شرح ابن میثم

ابن میثم فضیلت صبر را با توجه به فرمایشات امام ع، به طور کلی بر سه نوع تقسیم نموده است:

۳-۱. صبر بر طاعت

امیرالمومنین ع مردم را به صبر بر طاعت خدا ترغیب فرموده‌اند؛ چون موجب کامل شدن نعمت الهی است. صبر امری عدمی و جدا از عمل است که معنایی وجودی دارد. برخلاف استقامت در کار که کیفیت عمل بوده و برخلاف ورع که جزیی از عمل است. حضرت به منظور تشویق پیروان خود برای توجه به سرای آخرت می‌فرمایند:

امر به صبر، در عبادت و اطاعت خدا و دوری از گناه و نافرمانی وی است. آن حضرت آنان را سفارش به صبر کرده و آن را سبب تکمیل و تتمیم نعمت‌های الهی خوانده است و چون تکمیل نعمت که لازمه صبر است، به منزله میوه شیرین آن به حساب می‌آید، یاد این نعمت، صبر تلخ را شیرین می‌کند. (بحرانی، ۱۳۷۵: ۴، ۷۳۷)

۳-۲. صبر بر مصیبت

جمع میان خوف و رجاء باعث ایجاد فضائل بسیاری در انسان می‌شود؛ زیرا هرگاه معرفت و یقین به حق تعالی حاصل شود، خوف از عذاب و امید به ثواب در وی به هیجان می‌آید. همچنین این دو در وجود انسان، صبر و بردباری می‌آفرینند. صبر بر تحمل ناملایمات که موجب دخول در بهشت است، تحقق نمی‌یابد، مگر در صورتی که نیروی رضای به قضای حق، در آدمی تقویت شود، مثل صبر انبیا و اولیای الهی بر فقر. (همان، ۴، ۷۳۷)

۳-۳. صبر بر معصیت

فضیلت صبر بر ریشه‌کن کردن شهوات و لذت‌ها که وجودشان باعث داخل شدن در آتش دوزخ است، میسر نمی‌شود مگر در صورتی که نیروی خوف از خدا در وی شدت یابد. (همان، ۴، ۶۷) وجود اقدس او است که چنین می‌کند و این امر سبب کمال معرفت و انس با خدا می‌شود، انسی که محبت آفرین است و علت پیدایش مقام رضا و توکل به خداوند است؛ زیرا رضا و خشنودی دوست در کاری که محبوبش انجام می‌دهد، از لوازم ضروری مقام صبر است و علاوه بر این فایده، روح انسان را به مرتبه مجاهده نفسانی ترقی می‌دهد و او آماده ذکر خدا و تفکر در محبت است. (بحرانی، ۱۳۷۵: ۴، ۶۷)

نتیجه صبر: امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«لَا يَعْدُمُ الصَّبُورُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»؛ شخص استوار و بردبار، پیروزی را هر چند که زمانی دراز بگذرد، از دست نمی‌دهد.

(سیدرضی، ۱۳۷۹: حکمت ۱۵۳، ۶۵۷)

۴. دیدگاه خاص شرح علامه جعفری

صبر لفظ عامی است که گاهی به سبب اختلاف در مصادیق، اسامی مختلفی پیدا می‌کند و خداوند تمام این‌ها را در آیه شریفه ﴿وَالصَّابِرِينَ فِي الْأَسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾ (بقره/۱۷۷) صبر نامیده است. اگر صبر بر تحمل مصیبتی باشد، فقط به آن صبر می‌گویند و در مقابل آن جزع قرار دارد که عبارت از آزادگذاشتن انگیزه هوی در ناله کردن و بر صورت زدن و گریبان‌دریدن است. اگر مقاومت در مقابل مقتضیات غنا و ثروت باشد، حفظ نفس نامیده می‌شود و ضدش را سرکشی و ناشکری می‌گویند. اگر مقاومت در جنگ باشد، شجاعت و ضدش ترس نامیده می‌شود و اگر در فرو بردن خشم باشد، حلم و بردباری و ضدش

غضب نام دارد. اگر در حادثهٔ بیزارکننده‌ای باشد، سعهٔ صدر و ضدش بیزاری و ضیق صدر نام می‌گیرد و اگر در مخفی کردن سِرِّ باشد، کتمان و صاحبش را کنوم، یعنی رازدار و ضدش را پخش و اذاعه می‌نامند. اگر در ترك وسائل زائد زندگی باشد، زهد و ضدش حرص نامیده می‌شود و اگر صبر بر کمبود بهرهٔ دنیوی باشد، قناعت و ضدش شره نام می‌گیرد. واژهٔ استقامت نیز یکی از واژه‌هایی است که معنایی مشابه «صبر» دارد و این دو واژه در بسیاری از مواقع، به یک معنا به کار می‌روند. (بحرانی، ۱۳۷۵: ۱۴، ۱۷۲)

وجه اشتراک آرای شارحان درباره صبر

۱. اقسام صبر

هر چهار شرح، صبر را به (بدنی، نفسی و فکری) تقسیم کرده‌اند.

۱-۱. صبر بدنی

استقامت بر سختی‌ها و دردهایی است که بر جسم مادی آدمی وارد می‌شود. صبر بدنی تحمل کارها و اعمال شاق و سخت مثل کشاورزی در آفتاب گرم تابستان یا تحمل و استقامت بر شکنجه، بیماری و مجروح شدن بدن است.

۱-۲. صبر نفسی

استقامت در مقابل وسوسه‌های نفس و شیطان درونی انسان که همان هوس‌ها و شهوت‌های نفسانی است. قرآن کریم دربارهٔ آن فرموده است:

«وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ

رَّحِيمٌ»؛ و من نفس خود را تبریته نمی‌کنم؛ چراکه نفس قطعاً به بدی امر

می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند؛ زیرا پروردگار من آمرزندهٔ مهربان

است. (یوسف/۵۳)

۱-۳. صبر فکری

استقامت و صبر در مقابل وسوسه‌های شیطانی و فکرهای مخرب و فاسد مثل تفکرات ضددینی و اعتقادی و فکرهای شهوانی و مستهجن که فقط باید با استعانت و پناه‌بردن به خدای تعالی به این صبر رسید. در تعقیبات نماز صبح اینگونه می‌گوییم:

«قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِ»؛ بگو
پروردگارا از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم و خدایا از اینکه پیش
من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم. (مفاتیح‌الجنان، تعقیبات نماز صبح)

۲. مراتب صبر

شروع، صبر را به سه رتبه صبر بر معصیت، صبر بر طاعت و صبر بر مصیبت تقسیم کرده‌اند:

۱-۲. صبر بر معصیت

صبر بر معصیت تحمل دشواری ترک محرّمات و مقاومت در برابر شعله‌های سرکش شهوات و صبر در برابر مشکلاتی است که هوس‌های نفسانی آن را برمی‌انگیزاند و صبر بر هیجان‌های برخاسته از هوی و هوس و مقامات دنیوی است؛ چراکه بیشتر انسان‌ها در برابر فقر و گرفتاری طغیان نمی‌کنند؛ ولی وقتی خدا، مقام و پول و صحت بدن بدهد، آن وقت خیلی سخت است که خودش را سالم نگه دارد و صبر پیشه کند و این نعمت موجب غفلت و معصیت او نگردد. به همین علت برترین مرحله صبر، صبر بر معصیت است. این قسم به صبر بر نعمت نیز تعبیر شده است.

نتیجه: شکیبایی خواه در مسیر طاعت باشد یا در برابر وسوسه‌های گناه و معصیت یا در مقابل گرفتاری و مصیبت، از صفات برجسته پرهیزگاران است.

۲-۲. صبر بر طاعت

به تحمل دشواری انجام طاعت و ایستادگی در برابر مشکلاتی که در راه اطاعت پروردگار است و مقاومت بر سختی تکالیفی که خداوند متعال برعهده ما قرار داده و ممکن است انسان به دلیل دشواری، در انجام آن کوتاهی کرده و آن را ترک کند، صبر بر طاعت گویند، مثل گرفتن روزه در روزهای بلند و گرم و سوزان تابستان.

۲-۳. صبر بر مصیبت

صبر در مقابل مشکلاتی که از سوی مصائب و بیماری‌ها و تنگناهای زندگی رخ می‌دهد و استقامت بر حوادث و اتفاقات سخت و ناگوار مثل بیماری و جراحات بدنی و مرگ نزدیکان و خسارت‌های مالی را صبر بر مصیبت گویند. خدای تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ﴾؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! آن‌ها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی‌گردیم. (بقره/۱۵۵)

۳. انواع صبر (وجوه اشتراک شروح در انواع صبر)

۱-۳. صبر ممدوح

صبر ممدوح انسان، تسلیم رضای خدا بودن است. در چنین صبری انگیزه صبر در مصیبت، طاعت و معصیت صددرصد الهی است؛ یعنی اگر کسی صبر می‌کند، فقط و فقط به منظور رضای پروردگارش است، نه از روی عجز یا

عجب به نفس یا تعریف این و آن. صبری ممدوح است که با آن، ایمان را فرماندهی کرده و به تقوای الهی دست یابیم.

۳-۲. صبر مذموم

هنگامی که صبر در جامعه ستم‌کش و بی‌اراده و اسیر عوامل فساد و انحطاط مطرح شود، بزرگترین وسیله برای ستمگران و مفسدان و بزرگترین عامل و مشوق عقب‌ماندگی و انحطاط و فساد خواهد شد. در این صورت، ظلم فراگیر شده و اشرار بر جامعه حاکم می‌شوند. چنین صبری به شدت مذموم است.

وجوه افتراق آرای نثارخان درباره صبر

این قسمت در دو مرحله تبیین می‌شود:

۱. نظرات افتراقی (مرحله اول)

۱-۱. دیدگاه شرح پیام امام

صبر حالتی نفسانی است که انسان با کمک آن می‌تواند در مقابل انواع مشکلات بایستد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳، ۲۳۹) هیچ‌کس به هیچ هدف مهمی، خواه مادی باشد یا معنوی، بدون صبر و استقامت نمی‌رسد و اگر انسان این صفت را از دست دهد، دین و ایمان و شرف و آبروی او به خطر خواهد افتاد. (همان، ۷، ۵۴۶) در واقع، صبر صفتی است که اگر برای رضای خدا باشد، انسان را در طریق تقوا پیش می‌برد. (همان، ۳، ۲۳۹)

۲-۱. دیدگاه شرح فی ظلال

مقوله صبر در حیطة عقل قرار دارد، نه دین. صبر و تحمل، نتیجه فرآیند مقایسه میان دو ضرر است که راه گریزی از آن‌ها وجود ندارد و هرکس به تنهایی این مقایسه را انجام می‌دهد. بدیهی است که انسان عاقل، گزینه‌ای را

انتخاب می‌کند که آسان‌تر بوده و ضرر کمتری داشته باشد و نقش دین در این بین تأیید حکم و انتخاب عقل است. (مغنیه، ۱۳۸۷: ۱، ۲۲۰)

۱-۳. دیدگاه شرح ابن‌میثم

صبر امری عدمی و جدا از عمل است که معنایی وجودی دارد؛ برخلاف استقامت در کار که کیفیت عمل بوده و برخلاف ورع که جزیی از عمل است. (بحرانی، ۱۳۷۵: ۴، ۴۳۴)

۱-۴. دیدگاه شرح علامه جعفری

صبر لفظ عامی است که گاهی به سبب اختلاف در مصادیق، اسامی مختلفی پیدا می‌کند. خداوند تمام این‌ها را در آیه شریفه ﴿وَالصَّابِرِينَ فِي الْأَسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾ (بقره/۱۷۷) صبر نامیده است. اگر صبر بر تحمل مصیبتی باشد، فقط به آن صبر می‌گویند. در مقابل این صبر، جزع قرار دارد که عبارت از آزادگذاشتن انگیزه هوی در ناله‌کردن و بر صورت‌زدن و گریبان‌دریدن است. (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۹، ۲۵۷)

۲. تحلیل وجوه افتراق (مرحله دوم)

جهت تحلیل بهتر وجوه افتراق آرای شارحان درباره «صبر»، ابتدا حقیقت انسان به‌طور مختصر توضیح داده می‌شود.

حقیقت انسان از عقل، نفس و جسم تشکیل شده است.

عقل: عقل جوهری است مجرد و بسیط که حقایق اشیاء را درک می‌کند و ذاتاً مجرد از ماده، ولی در عمل مقارن آن است؛ لذا مرکب از قوه فسادپذیر نیست. (ابن‌سینا، اشارات و تنبیهات، ج ۳)

جسم: جوهری است مادی که دارای ابعاد طول، عرض و ارتفاع است. (همان)

نفس: جوهری است ذاتا مجرد، ولی در عمل مادی؛ یعنی هر چند خود از جنس ماده نیست؛ ولی افعال خود را از طریق ابزارهای مادی انجام می‌دهد؛ مانند ادراکات حصولی نفس انسان که با استفاده از اندام‌های حسی صورت می‌پذیرد. اموری از قبیل تخیل، شهوت و غضب در ابتدا برای نفس حاصل می‌شوند و چون نفس به بدن تعلق دارد، بر بدن عارض می‌شوند؛ ولی خواب، بیداری، صحت و مرض که مبادی آن‌ها در بدن است، ابتدا برای بدن حاصل و بعد به این دلیل که بدن دارای نفس است، برای آن حاصل می‌شود. (همان)

در قرآن، عقل، یعنی علمی که انسان مستقلاً به آن دست می‌یابد و مراد از جسم در قرآن، ادراکی است که انسان با کمک غیر، به آن دست پیدا می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۲، ۲۵۰-۲۴۷)

وجوه افتراق دیدگاه شارحان با توجه به مطالب چهار شرح نهج البلاغه به شرح زیر تحلیل می‌شود:

۱-۲. شرح پیام امام

این شرح، صبر را صفتی نفسانی می‌داند که انسان می‌تواند با کمک آن در برابر انواع مشکلات بایستد؛ چون نفس ذاتا جوهری مجرد است و مصیبت‌هایی که بر جسم مادی وارد می‌شود یا معصیتی را که انسان با حواس مادی خود انجام می‌دهد، توسط ابزارهای مادی مانند اندام‌های حسی درک می‌کند. این نفس اگر ادراکات حصولی خود مانند امیال، هوی، هوس، حزن، اندوه و ... را در خود زندانی نماید، به آن صبر گویند و اگر آنان را به حال خود واگذارد، در مصیبت دچار جزع و فزع شده، در اطاعت الهی تمرد کرده و در معصیت غوطه‌ور می‌شود.

۲-۲. شرح فی ظلال

این شرح، صبر را در حیطة عقل و نتیجه فرایند دو ضرر دانسته است؛ یعنی عقل، صبر را به طور مستقل درک نموده و حقیقت دو ضرری را تحلیل و ارزیابی کرده که قرار است بر انسان تحمیل شود و در نهایت، امر دارای ضرر کمتر را که همان صبر است، برمی‌گزیند و به دلیل ملازم بودن حکم عقل با حکم شرع که هیچ تعارضی بین آنها نیست، بلکه حکم عقل عین حکم شرع یا مستلزم حکم شرع است «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع»، دین آن را تایید می‌کند.

خلاصه: عقل، صبر را درک، تحلیل و ارزیابی کرده و آن را می‌پذیرد و دین نیز آن را تایید می‌کند.

این شارح، حکمت ۸۲ نهج البلاغه «ایمان بدون صبر وجود ندارد» را شاهد ادعای خود گرفته و می‌فرماید: حدیث به این معنا است که در واقع، ایمان با عقل سالمی پدید می‌آید که راه درست و شایسته را انتخاب می‌کند. تردیدی نیست که خداوند در پاداش به انسان‌ها، به ایمان و عقل آنان می‌نگرد.

۲-۳. شرح ابن میثم

این شرح، صبر را امری عدمی و جدا از عمل که معنایی وجودی دارد، تعریف کرده است. به نظر می‌رسد، اگر جزع نکردن مساوی صبر باشد و با معدوم شدن جزع، ماهیت صبر ایجاد شود، صبر خارج از حیطة جوهرهای انسان (عقل، نفس، جسم) می‌شود. به نظر بقیة شارحان، صبر داخل در یکی از این جوهرهای انسانی است؛ یعنی یا عقلی است و وجود ذهنی دارد یا نفسی و بدنی است و وجود خارجی دارد. نتیجه اینکه هر چیزی که در حیطة این جوهرها قرار گیرند، وجود ذهنی یا خارجی دارد و نمی‌تواند عدمی باشد.

۲-۴. شرح علامه جعفری

این شرح، صبر را فقط تحمل مصیبت دانسته و مقابل صبر، یعنی جزع را آزادی انگیزه هوی می‌داند. از دیدگاه شارح، صبر محدود به جسم و درحیطه بدن مادی است؛ چون تحمل مصیبت یعنی اصابت سختی و گرفتاری به جسم مادی است و آثار این مصائب بر نفس، روح و عقل تاثیر می‌گذارد و آن‌ها درک می‌کنند؛ لذا اگر انسان بر سختی وارد بر بدن استقامت ورزد، (با توجه به تعریف نفس) انگیزه‌ای وجود ندارد تا نفس آن را درک و جزع را آزاد کند و (با توجه به تعریف عقل) حقیقتی در شیئی مانند سختی در بدن باقی نمی‌ماند که عقل آن را درک کند؛ زیرا با صبر همه سختی‌ها آسان و زیبا می‌شود.

نتیجه: به نظر می‌رسد آرای سه شرح پیام امام، فی ظلال و علامه جعفری صحیح؛ ولی ناقص است و افتراق آرا و دیدگاه آنان در همین نقص‌ها است؛ زیرا هر شارح یک بعد از ابعاد گوناگون انسان را مطرح و به واسطه آن صبر را تعریف کرده است؛ لذا تعریف و دیدگاه هر شارح با دیگری متفاوت شده است. تعریف جامع و کامل برای صبر، جمع بین این سه نظر است؛ زیرا عقل، نفس و جسم هر سه جوهر یک انسان بوده و با هم ممزوج و مرتبط هستند. در واقع، هر سه با هم در زمان واحد و در فرایندی واحد مانند صبر عمل می‌کنند و اگر یکی از آن‌ها حضور نداشته باشد، آن فرایند کامل نمی‌شود.

تحلیل مصادیق کاربردی صبر در دوره معاصر

مصادیق صبر در دوره معاصر به خصوص با پیشرفت تکنولوژی در سده‌های اخیر، بسیار متنوع‌تر از دوران گذشته است. این مصادیق در دوره‌های مختلف بسته به شرایط زمان و مکان متفاوت‌اند؛ ولی مبانی و راهکارهای فضیلت صبر

در کلام امیرالمومنین علیه السلام و نهج البلاغه مختص زمان و مکان خاصی نیست و همیشه آن‌ها را در بر می‌گیرد.

۱. مصداق صبر بر مصیبت (خانواده شهدا)

یکی از ثمرات صبر و ایمان، فرهنگ ایثارگری و شهادت‌طلبی است که در متن اسلام از درخشش و ویژگی برجسته‌ای برخوردار است. ترویج ثمره صبر و ایمان، یعنی فرهنگ شهادت، در متن خانواده شهید دیده می‌شود. خانواده شهدا اسوه‌های صبر و مقاومت در جامعه ما هستند که چون قهرمانان صدر اسلام به شهادت جانگداز شهیدشان افتخار می‌کنند و با صبر خود، چون کوهی در مقابل سختی آن ایستاده‌اند. خانواده شهدای مفقودالثر، سال‌های طولانی بر سختی فراق و نیامدن حتی خبری از عزیزان‌شان صبر نمودند، چشم‌به‌راه ماندند و هرگز شکایتی نکردند و حتی بعضی از آن‌ها آرزوی دیدار عزیز و جگرگوشه خود را به گور بردند.

۲. مصداق صبر بر معصیت (صبر بر معاصی شبکه‌های ماهواره)

به نظر می‌رسد، چون ماهواره ابزاری است در دست دشمن، به منظور جهت‌دهی افکار و عقاید و بنیان‌های فکری افراد، به خصوص جوانان، امروزه رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت صاحب اختیار خانه و خانواده شده و به جای مدیر و اعضای خانواده تصمیم می‌گیرند و برای چگونه زیستن برنامه ریزی می‌کنند؛ لذا رقیبی برای کارکرد تربیتی خانواده محسوب می‌شوند. ماهواره همواره یکی از مخرب‌ترین و اثرگذارترین ابزارهای مدرن دشمن برای گسترش سلطه فرهنگی خود بر مسلمانان بوده و در حقیقت منشأ بسیاری از معاصی، بی‌بندوباری‌ها، انحرافات جنسی، بدحجابی‌ها، مزاحمت‌ها و لجام‌گسیختگی‌های اجتماعی است. ما باید نسبت به ماهواره هوشیارانه عمل

کنیم و با ایمان، صبر و مدیریت صحیح در مقابل امیال نفسانی خود و خانواده خود برای استفاده نکردن از این وسیله خطرناک، ایستادگی کرده و جامعه را از معاصی بزرگ آن نجات بخشیم.

۳. مصداق صبر بر طاعت (صبر بر روزه‌داری در تابستان گرم و سوزان

سال‌های اخیر)

مهمانی خدا (روزه‌داری) در تابستان شرایط ویژه‌ای دارد. چون برترین عبادت‌ها، دشوارترین آن‌ها است و دشواری فقط اگر با صبر قرین شود، تحمل‌پذیر می‌شود. پس مهمانی خدا در این ماه در برترین حالت خود قرار دارد. خداوند متعال بندگان را در این مهمانی با غذا و آب و شربت پذیرایی نمی‌کند؛ چراکه این مهمانی در طول سال برای همه انسان‌ها و موجودات دیگر گسترده است. این مهمانی آزمون ایمان، صبر و استقامت است. در هوای گرم و سوزان تابستان که برخی بهانه‌هایی هر چند کوچک و غیرقابل قبول برای روزه‌نگرفتن پیدا می‌کنند، با صبر در روزه‌داری، اراده انسان قوی می‌شود. انسان با روزه‌داری که امساک در خوردن و آشامیدن و ... است، در واقع با خواهش‌های خود مبارزه می‌کند و در برابر آن‌ها صبر نموده و این تمرین، اراده و قدرت تصمیم‌گیری را در وی نیرومند می‌کند.

۴. مصداق جمع‌الجمع بین همه مصادیق صبر (طاعت، مصیبت، معصیت)

حضرت ولی عصر (روحی و ارواح‌افشاده) انسان کامل، صابر و مصداق اتم و اکمل همه صبرها هستند؛ زیرا بیش از هزار سال بر سختی انتظار فرج که برترین صبر بر طاعت الهی است، صبر کرده‌اند. بیش از هزار سال بر دشواری مصائب شیعیان که برترین صبر بر مصیبت است، صبر کرده‌اند. بیش از هزار

سال بر معصیت ما شیعیان گریه کرده و از خدای تعالی برای ما طلب استغفار می‌کنند.

نکته: در دوره معاصر که بیشتر انسان‌ها به دنبال الگوهای کاذب همچون هنرپیشه‌ها، فوتبالیست‌ها و... هستند، باید به آن‌ها الگوهای راستین معرفی کرد تا باعث رشد و تعالی‌شان شود. یکی از بهترین الگوهای راستین، مصادیق صبر در دوره معاصر است که اگر آنان را الگوی خود قرار دهیم و از این فضیلت اخلاقی آنان درس اخلاق بگیریم و صبر را ملکه خود قرار دهیم، ایمان ما حفظ و در زمره متقین قرار خواهیم گرفت. انشاءالله.

نتیجه‌گیری

از منظر امیرالمومنین علیه السلام اگر انسان با صبر در برابر نفس سرکش و هوا و هوس‌ها و زرق و برق دنیا و جاذبه‌های گناه، ایستادگی، استقامت و صبر کند و در طریق «معرفة الله» و اطاعت فرمان او با مشکلات مبارزه کند، یقیناً پیروز خواهد شد و به هدف خواهد رسید. این همان پیروزی جنود ایمان به فرماندهی صبر، بر جنود کفر است.

در فرهنگ نهج البلاغه، صبر مرکبی است برای کنترل صاحبش «الضَّبْرُ مَطِيهٌ» و موجب رهایی، پیروزی و به هدف رساندن اوست؛ زیرا این مرکب توسط سکان و فرمانی هدایت می‌شود که در دست ناخدا و صابر اوست و سرعت آن با ترمزی مهار می‌شود که زیر پای صاحب اوست؛ پس اگر او را صحیح براند، ناخدا، صاحب و صابر خود را به سلامت به مقصد خواهد رساند. اگر صابر و صاحب مرکب صبر، بر عکس بالا عمل کند، مرکب از کنترل خارج شده و او را هلاک می‌کند. با تحلیل روایی «فضیلت صبر»

در نهج البلاغه، دانستیم این مرکب راس و فرمانده ایمان است و به منزله تنه درخت اسلام می ماند که ریشه های آن باورها و ارزش های دینی است و از رفتارهای مختلف که حکم شاخه های آن را دارد، ثمرات فراوان حاصل می شود.

اگر صبر عاقلانه، صحیح، بجا و برای رضای الهی باشد، همچون شکیبایی در سختی طاعت، استقامت در برابر معاصی و مقاومت بر مصیبت های دنیا، پسندیده، ممدوح و منجی آدمی می شود. و اگر از عقل خارج شده و پیرو هوای نفس شود، مانند صبر در برابر ظلم، ناپسند و مذموم بوده و صاحب خود را هلاک می کند.

منابع

- بحرانی، ابن میثم، ۱۳۷۵، شرح نهج البلاغه، ترجمه علی اصغر نوایی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، ترجمه و تفسیر المیزان، بی جا، قم: انتشارات اسلامیة.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۶، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چ ۴، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- سیدرضی، محمد، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، قم: نشر عهد.
- طباطبایی، سیدکاظم، ۱۳۹۳، بررسی شبهات نهج البلاغه، چ ۱، تهران: نشر دانشگاه علوم حدیث.
- محلاتی، هاشم، ۱۳۷۸، ترجمه غررالحکم و دررالحکم، بی جا، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانور، بیروت: ناشر الوفا.
- مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۸۹، روش فهم حدیث، چ ۶، تهران: انتشارات ارشاد اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۳۸۷، فی ظلال نهج البلاغه، ترجمه (سایه سار) بستان، قم: دارالکتاب الاسلام.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، پیام امام، شرح نهج البلاغه، چ ۴، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، اخلاق در قرآن، چ ۴، قم: نشر مدرسه امام علی علیه السلام.